



در کلمبیا، دانشجویان در دیداری از موزه باستان‌شناسی کوکوتا، سرنخ‌هایی درباره میراث فرهنگی خود جمع‌آوری می‌کنند.

تاراج گذشته‌ها از زمین زیر پای مان

غارتگران با اشتهای سیری‌ناپذیر خود، قبل از کاوش‌های باستان‌شناسی، جایگاه‌های تاریخی را تخریب کرده‌اند و شانس شناخت فرهنگ گذشتگان را از ما گرفته‌اند.

جنی دول

باستان‌شناس و پژوهشگر انگلیسی مؤسسه تحقیقات باستان‌شناسی مکدونالد

ضبط در مجموعه‌ها یا فروش آنها سیری‌ناپذیر و سرقت آنها شایع و همه‌گیر شده است.

پیشرفت فن‌آوری‌های ارتباطی، همراه با شبکه‌های پیچیده قاچاق، غارت مدرن را به صنعتی سودمند و جهانی تبدیل کرده‌اند. تمامی جایگاه‌های تاریخی برای کشف آثار منتخب که در غرب بابت آنها مبالغ کلانی پرداخت می‌شود نابود می‌شوند. از این اشیاء به‌عنوان آثار هنری، سرمایه‌گذاری‌های مالی یا برای تزئینات داخلی استفاده می‌شود، اما این آثار بیش از این ارزش دارند: اگر به روش درست حفاری شوند پنجره‌ای رو به تاریخ را به روی ما می‌گشایند. مکان‌های باستانی منابعی تجدیدنپذیرند، آنها را تنها یک بار می‌توان حفاری کرد و این امر باید عقلایی انجام شود. وقتی اثری غارت می‌شود، جزئیات بی‌نظیری از زادگاه (جایی که پیدا شده است) و موقعیت‌اش (در کنار چه چیزی پیدا شده است) ناشناخته باقی می‌ماند. اگر بخواهیم اطلاعاتی دربارهٔ زمان‌های گذشته کسب کنیم این جزئیات بسیار مهم هستند. غارتگران در آمریکای جنوبی اعتراف کرده‌اند که ده‌ها مومیایی قدیمی را به خاطر اینکه در داخل آنها طلا و نقره نبوده، از صخره‌ها به پایین پرت کرده‌اند، با انجام چنین کاری اطلاعات تاریخی مهمی را مانند quipu، نخ‌های بافته شده که اینکها برای ثبت حساب‌های رسمی از آنها استفاده می‌کردند، دور انداخته‌اند. بسیاری از این

شهر مهم مایایی در جنگل‌های گواتمالا به‌سادگی منطقه Q نامیده شده، زیرا باستان‌شناسان نمی‌دانند که این شهر در کجا واقع شده است. اما وجود این منطقه براساس قسمت‌هایی از کنده‌کاری‌های دیوارهای معبد هرمی‌شکل آن که در مجموعه‌های خصوصی و موزه‌ها در سراسر جهان نگهداری می‌شود، بدیهی و مسلم است. اما این قطعات برای بازسازی یک تمدن کافی نیستند. در جوامعی که آثار مکتوب ندارند مانند جامعه تجارتهای که در حدود هزار سال پیش در مالی رونق داشت، این فقدان بسیار شدیدتر حس می‌شود و باستان‌شناسی تنها فرصت شناخت گذشته را به ما می‌دهد. (به صفحه ۲۶ مراجعه شود) طبق برآوردها نزدیک به نیمی از مکان‌های تاریخی مالی به خاطر مجسمه‌های سفالی زیبا غارت شده‌اند: گذشته تاریخی به معنی واقعی کلمه لگدمال و ناپدید شده است. مقبره‌ها همواره در معرض سرقت‌اند و میراث فرهنگی به‌وسیلهٔ جویندگان گنج نابود شده‌اند.

اما در دهه‌های اخیر، تقاضا برای آثار هنری چه برای

جایگاه تاریخی Q در گواتمالا مجموعه‌های فرهنگی منطقه در اختیار غارتگران است. همچنین ظروف سفالی ارزشمند تمدن ناشناخته در منطقه کوهستانی رود مارانون پرو امروز در بازارهای اروپا به فروش می‌رسند. آنها زیبا هستند اما نه ارزش تاریخی واقعی‌شان مشخص است و نه اطلاعاتی درباره آنها داریم، زیرا در زمان حفاری از بین رفته‌اند. این جنبه موضوع مایه نگرانی عمده باستان‌شناسان است نه مسئله مالکیت.

راه حل: ایجاد موزه‌ها با مشارکت مردم بومی

با وجود این، موضوع مالکیت برای دولت‌ها اساسی است و غالباً مواد قانونی برای حاکمیت بر جایگاه‌های تاریخی دارند و حفاری‌های غیرقانونی و صدور آثار را جرم دانسته‌اند. بسیاری از کشورها از نظر باستان‌شناسی غنی و از نظر اقتصادی فقیرند و نمی‌توانند منابع مالی زیادی برای مراقبت از میراث فرهنگی اختصاص دهند، اما باستان‌شناسی را به رسمیت شناخته و دریافته‌اند که راهی است برای شناخت هویت ملی و کسب افتخار و دقیقاً به اندازه منابع اقتصادی ارزش دارد. به تازگی لبنان فهرستی از آثار هنری و جایگاه‌های تاریخی غارت‌شده خود در طول سال‌های جنگ داخلی را تهیه کرده است. این کشور می‌داند که میراث فرهنگی غنی و توان جهانگردی‌اش برابر با منابع نفتی سایر کشورهای عرب است. اخیراً در موارد نادری آثار به سرقت رفته را به کشورهای مبدأ بازگردانده‌اند. مقامات این کشورها به اهمیت انتقال این آثار به موزه‌های محلی، ترجیحاً موزه‌هایی که با همکاری مردم بومی تأسیس شده‌اند پی برده‌اند، مردمی که تا قبل از آن سرقت آثار تاریخی را وسیله‌ای برای گذران زندگی تلقی می‌کردند. مثلاً موزه تأسیس شده در سیان، اکنون خود یک جاذبه توریستی است. (به صفحه ۳۰ مراجعه شود) کافه‌ها و فروشگاه‌های سوغات (یادگاری) ناگهان سر برآورده‌اند. درآمد ارزی ناشی از جهانگردی برای کل جامعه بسیار بیشتر از مقداری است که غارتگران رویای آن را داشتند. این افتخارآمیزتر از منابع کسب درآمد هستند: آنها ابزار آموزشی مهمی هم برای مردم و هم جهانگردان محسوب می‌شوند. در مراسم گشایش موزه آنگکور که با کمک اتحادیه اروپا ساخته شده است، مردم بومی با تعجب، شیفتگی و گاهی اوقات با شوق تمام عکس‌العمل نشان دادند. جوان‌ها می‌گفتند هرگز چنین مجسمه‌هایی ندیده بودند (آثار هنری و تاریخی در کامبوج جنگ‌زده در سال‌های اخیر کاملاً غارت شده‌اند) و تاکنون پی به اهمیت تاریخی شهرشان نبرده بودند.

قوی‌ترین سلاح برای مقابله با غارت به شیوه مدرن افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به این موضوع است که میراث فرهنگی در مقیاس با میالغ ناچیزی که از فروش آنها به دلان محلی به دست می‌آید یا مقادیر هنگفتی که در حراج‌های غرب حاصل می‌شود ارزشی به مراتب بیشتر دارد. ارزش پولی تجارت غیرقانونی آثار هنری و آنتیک که به هنگام سرقت صدمه دیده‌اند مانند آثار مذهبی (نقاشی‌های دیواری-موزاییک و تمثال‌هایی از کلیساهای ارتودوکس و مجسمه‌هایی از معابد و زیارت‌گاه‌های شرقی)، آثار مربوط به قبایل و اقوام و هنرهای زیبا بیلیون‌ها دلار تخمین زده می‌شود. وقتی اثری سرقت شود تقریباً همه مردم دنیا فقیر می‌شوند. ■

آثار که از نظر غارتگران بی‌ارزش بوده‌اند مانند استخوان‌ها، سفالینه‌های شکسته، بقایای ارگانیک فاسد شدنی و خاک می‌توانستند سرخ‌های ارزشمندی درباره کل تمدن به ما بدهند. پیشرفت شتابان علمی آگاهی ما را افزایش می‌دهد. مثلاً مطالعه دندان‌های قدیمی نشان می‌دهند که افراد دوران کودکی خود را کجا گذرانده‌اند و بقایای انسانی می‌توانند رژیم‌های غذایی را آشکار کنند و مجموعه‌های شکسته طوری بازسازی می‌شوند که می‌توانیم صورت اجدادمان را ببینیم، و مطالعات مربوط به DNA ارتباط آنها را با یکدیگر و با ما به ثبت می‌رسانند. بررسی پس‌مانده‌های ظروفی که ظاهر آشناسمگرا و فوق‌العاده نیستند ثابت می‌کنند که پیشینیان ما چه چیزهایی را و چگونه طبخ، یا تولید می‌کرده‌اند. با دسترسی به موقعیت‌های بکر، باستان‌شناسان به سوالات کلی‌تر مانند اینکه چه وقت انسان‌ها برای اولین بار زمین را برای کشت و کار آماده کرده‌اند پاسخ داده‌اند. مطالعه گیاهان ادوار پیشین، نشانه‌های بقایای فلس‌هایی را که در اثر حفاری‌های دقیق کشف نشده بودند تکمیل کرده است. این جزئیات برای آینده ما مفیدند. در انگلیس با پژوهش بقایای دریایی در رودخانه اوز (Ouse) سطوح آلودگی را در ۱۹۰۰ سال پیش مشخص کرده‌اند. آثاری که زادگاهشان مشخص نیست، آگاهی ما را نسبت به مردم ادوار نخستین محدود و تحریف شده می‌کند: تمدن دوران ماقبل فرهنگ اینکاموکا در پرو یک نمونه محسوب می‌شود. تا چند دهه، محققان از آثار «هنری» یتیم و بدون شناسنامه موجود در بازار برای شناخت این تمدن پیشرفته تلاش می‌کردند. در ۱۹۸۷، غارتگران به مقبره‌ای در هرم خشتی در سپهان حمله کردند. باستان‌شناسان با آگاهی از خطر و برای اولین بار توانستند محدوده مقبره خاندان سلطنتی موکا را بررسی کنند. این کاوش شناخت ما را از این تمدن کاملاً دگرگون ساخت. علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهند که باید آثار شناسایی‌شده قبلی و بدون زادگاه مشخص را دوباره مطالعه و حتی تقلبی بودن آنها را ثابت کرد.

وقتی غارتگران جایگاهی تاریخی را به طور کامل هدف قرار می‌دهند

محققانی که مجسمه‌های مرمر سفید متمایزی را در مقبره‌های عصر برنز در جزایر سیدارس یونان بررسی می‌کنند با مشکلات مشابهی روبه‌رو هستند. حدود هزار و ششصد مجسمه شناسایی شده‌اند که فقط صدوپنجاه عدد آنها زادگاه قطعی دارند. از آنجایی که تعیین تاریخ مرمر با روش‌های علمی غیرممکن است متخصصان نمی‌توانند این احتمال را نادیده بگیرند که ممکن است تعداد قابل‌توجهی از آنها تقلبی بوده طی سی سال گذشته برای پاسخ به تقاضای فزاینده تولید شده باشند. تلاش فراوانی که برای تعیین هویت این مجسمه‌ها صورت می‌گیرد، شگفت‌انگیزی آنها را ثابت می‌کند.

تعیین میزان اطلاعات از بین رفته غیرممکن است. طبق یک بررسی، تومبارولی ایتالیا برای یافتن یک گلدان آپولین باید نه مقبره جدید را حفاری کند. (از ۱۹۸۰ بیش از چهار هزار اثر بدون زادگاه کشف شده است.) در وانباروی انگلیس، غارتگران در تاریکی شب با دستگاه‌های فلزیاب و کامیون بخش اعظم یک مقبره رومی را جابه‌جا کردند تا در اوقات فراغت به حفاری آن بپردازند. در برخی موارد نظیر



برای همیشه از آنگکور خارج شده است